



روای "ائتلاف استراتژیک" و کابوس واقعیت

محمد صدر، هموند (عضو) منصوب شده از سوی خامنه ای در مجمع تشخیص مصلحت نظام، تازگیها در گفتگویی با تلویزیون جمهوری اسلامی اعلام کرد: "در جریان جنگ اخیر و جنگ قبل از آن میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، این تردید به وجود آمده بود که چرا اسرائیل دقیقاً از مکانهای تجهیزات پدافند هوایی ایران مطلع است؟" او افزود که هم ارزیابی اش و هم اطلاعاتی که به او رسیده، حاکی است که: "روسها اطلاعات تمام مراکز پدافندی را به اسرائیلیها داده بودند".

صدر ضمن اشاره به "نامردی روسیه" و با تاکید بر اینکه: «روسها این جوری هستند»، در رابطه با جریان جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل ادامه داد: "مشخص شد که پیمان استراتژیک جمهوری اسلامی و روسیه کشک است".

به نگر ما این گفتگو دربرگیرنده نکات بسیار مهمی است؛ از یکسو آشکار می سازد که بخشی از نهاد قدرت در ایران حسابی از "متحد استراتژیک" خود دلخور است و برایشان روشن شده که در عرصه دیپلماسی جهان دست به دست شده و بازی می خورند. و از سوی دیگر نمایانگر این واقعیت است که سیاستهای نگاه به شرق خامنه ای تا چه اندازه بی پایه و اساس بوده و با صرف هزینه های گزاف و پرداخت باجهای فراوان، سربزنگاه دست جمهوری اسلامی را در پوست گردو گذاشته و وی را تنها می گذارند. این در حالی است که آمریکا آشکارا از متحدانش در سراسر جهان چه از نظر مالی و چه از نظر تجهیزات نظامی و اطلاعاتی عملاً پشتیبانی می کند.

در دنیای پیچیده دیپلماسی و روابط بین الملل، هیچ چیز به اندازه اعتماد و وفاداری میان متحدان حیاتی نیست. اما آنچه طی ماههای اخیر و بویژه پس از تشدید درگیریها میان جمهوری اسلامی و اسرائیل رخ داده، پرده از واقعیتی تلخ و سرنوشت ساز برداشته است. سخنان اخیر محمد صدر، هموند "مجمع تشخیص مصلحت نظام"، تنها یک افشاگری ساده نیست، بلکه اعتراف به شکستی استراتژیک است که حاصل سالها سرمایه گذاری بی حاصل بر روی یک "توهم" بوده است.

صدر در گفتگوی خود، به صراحت از "نامردی روسیه" سخن می گوید و مدعی می شود که اطلاعات حساس پدافند هوایی ایران به دست اسرائیلی ها رسیده، آن هم از طریق همان "متحد استراتژیک" که جمهوری اسلامی سالها بر طبل دوستی و هم پیمانی با آن کوبیده است. او با تلخی، پیمان استراتژیک با روسیه را "کشک" می خواند. این واژه، بیش از هر چیز دیگری، عمق سرخوردگی و شکست درونی بخشی از حاکمیت را نمایان می سازد؛ شکستی که از سالها سیاست "نگاه به شرق" و دشمنی با غرب، بویژه آمریکا، نشأت می گیرد. سیاست "ضد امپریالیستی" و مقابله با آمریکا، به ستون فقرات سیاست خارجی جمهوری ننگین اسلامی تبدیل شده است. این سیاست، با ادعای ایستادگی در برابر سلطه جهانی، در عمل، کشور را به سمت انزوای بین المللی سوق داده و به ائتلافهای شکننده ای مانند آنچه با روسیه شکل گرفته، گره زده است. در حالی که حاکمیت هزینه سنگین مالی و انسانی برای این سیاست را از جیب ملت می پردازد، مردم ایران روزبروز با مشکلات اقتصادی، تحریمهای فلج کننده و فشارهای امنیتی فزاینده مواجه می شوند. اما این سیاستها در بزنگاههای حساس، کاملاً ناکارآمدی خود را نشان می دهند. در حالی که آمریکا در بحرانهایی جهانی، تمام قد از متحدان خود چه از نظر نظامی، مالی و اطلاعاتی حمایت می کند، ائتلاف ایران با روسیه به یک توافق یکطرفه و منفعت طلبانه از سوی کرملین تبدیل شده است. روسیه که به دلیل جنگ اوکراین تحت فشار شدید غرب قرار دارد، از هر ابزاری برای تأمین منافع خود استفاده می کند و به سادگی، اطلاعات حیاتی "شریک" خود را در ازای منافع معامله می کند. این اتفاق، نشان می دهد که سیاست خارجی ایران نه بر اساس اصول و منافع ملی، بلکه بر پایه ایدئولوژی و شعارهای توخالی بنا شده است. شعارهایی که در عمل، هیچ فایده ای برای کشور نداشته و تنها به انزوا، تحقیر و از دست رفتن سرمایه های ملی منجر شده است. شکست سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی، باید زنگ خطری برای تمامی جریانهای سیاسی در ایران، به ویژه آن دسته از "ضدامپریالیست"هایی باشد که همچنان بر طبل دشمنی با غرب می کوبند. واقعتهای موجود به روشنی نشان می دهند که "ضد امپریالیسم" در قامت شعار و ایدئولوژی، تنها یک ابزار برای توجیه سیاستهای شکست خورده ای است که هزینه اش را مردم رنج دیده میهن ما می پردازند. این دیدگاه، کشور را در یک بازی پیچیده جهانی، به مهره ای بازی خورده و قابل معامله تبدیل کرده است.

این درسها، بویژه برای ملیگرایان ایرانی حیاتی است. ایران باید به جای سرمایه گذاری بر روی ائتلافهای نامطمئن و ایدئولوژیک، به سیاست خارجی ای مبتنی بر منافع ملی و اصول واقع گرایانه روی آورد. سیاست جهانی پیچیده تر از آن است که بتوان با شعار و توهم به جنگ آن رفت. آینده کشور نه در انزوا و دشمنی، بلکه در دیپلماسی هوشمند، شناسایی منافع واقعی و ایجاد روابط پایدار با تمامی کشورها بر اساس احترام متقابل است. تنها با درک این واقعیت است که می توان ایران را از باتلاق انزوا و تحقیر نجات داد و راه را برای پیشرفت و رفاه مردم باز کرد. و این تنها با سرنوشتی این رژیم ایران ستیز و برقراری سامانه ای که منافع ملت ایران و توسعه اقتصادی، صنعتی، سیاسی و فرهنگی از اولویتهای سیاستگزاری آن باشد، امکانپذیر است.

سرنگون باد جمهوری ننگین اسلامی!

پیروز باد انقلاب ملی-دمکراتیک ملت ایران به رهبری شاهزاده رضا پهلوی!

برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران!

پاینده ایران!

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو

۴ شهریور ۱۳۸۴ / ۲۶ آگوست ۲۰۲۵